

ابعاد تربیتی الگوی اسلامی – ایرانی پیشرفت در اندیشه امامین انقلاب اسلامی

دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۱ تأیید: ۱۴۰۲/۷/۲۴ حمیدرضا منیری حمزه کلایی*

چکیده

بررسی مقوله الگوی اسلامی – ایرانی پیشرفت در آثار امام خمینی ۱ و خصوصاً آیه الله خامنه ای از ساحت تربیت و ابعاد و الزامات آن، منظر جدیدی است که پژوهشی در این زمینه انجام نگرفته است. با توجه به محوریت تربیت در اندیشه امامین انقلاب اسلامی، شناخت دقیق ابعاد تربیت و الزامات آن در الگوی پیشرفت اسلامی از منظر امامین انقلاب اسلامی، سؤال اصلی این پژوهش می باشد. فرضیه پژوهش این گونه مطرح می شود؛ دیدگاه امام خامنه ای با ابعاد نظر به مبنای تربیت متعالیه امام خمینی به عنوان ساحت تربیت در الگوی پیشرفت دارای ابعاد و الزاماتی می باشد که شناخت آن ابعاد و الزامات می تواند زوایای پنهان الگوی پیشرفت را آشکار نماید. بر اساس هدف و فرضیه پژوهش، یافته های تحقیق عبارتند از:

ساحت تربیت در الگوی پیشرفت اسلامی دارای ابعاد معرفتی، اخلاقی و فقهی می باشد. الزامات بُعد معرفت در الگوی پیشرفت اسلامی عبارتند از: معرفت به ضرورت داشتن دایمی حرکت پیشرفت و الزامات بُعد اخلاقی در الگوی پیشرفت اسلامی عبارتند از: نیاز به جرأت، شجاعت و انگیزه بسیار قوی در طراحی الگوی اسلامی – ایرانی پیشرفت و الزامات بُعد فقهی الگوی پیشرفت اسلامی عبارتند از: لزوم ملاحظه به الگوی غیر غربی و مستقل اسلام در موضوع پیشرفت که منجر به نظام سازی و جامعه سازی می شود و

واژگان کلیدی

امام خمینی، آیه الله خامنه ای، الگوی اسلامی – ایرانی پیشرفت، ابعاد معرفتی پیشرفت، ابعاد اخلاقی پیشرفت، ابعاد فقهی پیشرفت

* عضو هیأت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه مازندران: h.moniri@umz.ac.ir

مقدمه

طرح الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت از ابتدای دهه چهارم انقلاب اسلامی از سوی آیه الله خامنه ای و ترسیم هدف نظام به سمت پیشرفت به عنوان یک الگو در دنیا (خامنه ای، ۱۳۹۱/۷/۲۲) و تأکید ایشان به ضرورت احیا و اعتلای پیشرفت بر محور احیای تمدن اسلامی، فرصت مغتنمی را موجب گشت تا این موضوع به شکل جدی تر در ابعاد گوناگون بررسی شود تا به صورت منسجم ایده ها و روش های نظری و عملیاتی مورد کنکاش قرار گیرد. از این رو، ارائه مدل مفهومی پیشرفت از موضوعات مهم نظام اسلامی ایران در دهه پنجم خود می باشد.

امام خمینی ۱ به عنوان بنیان گذار نظام اسلامی در ایران و هم چنین یک شخصیت ممتاز و اندیشمند، به موضوع پیشرفت اسلامی تأکید خاصی داشتند. ایشان یکی از دلایل اصلی انقلاب علیه رژیم پهلوی را به این علت می دانستند که سیاست شاه ... پیشرفت مردم را در معرض خطر قرار داده بود (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۳۶۹). دیدگاه امام خمینی ۱ پیرامون پیشرفت یکی از «بینات» مکتب امام خمینی است، نه یک موضع موردی و به اقتضای حادثه ای خاص. کوشش امام خمینی در پروراندن مفهومی اسلامی در زمینه پیشرفت، با تداومی تاریخی و تأکیدی معرفتی همراه بوده و بخش قابل توجهی از حکمت عملی ای را تشکیل داده است که در مکتب امام خمینی شکل گرفته است. مقوله پیشرفت آن چنان در حکمت عملی امام مرکزیت دارد که از یک منظر می توان تمام پروژه «انقلاب اسلامی» را هم چون پاسخی به مسأله عقب ماندگی در نظر گرفت. تلاش امام خمینی از آغاز «دوران نهضت» معطوف به طرح یک دیدگاه منسجم پیرامون پیشرفت و مفاهیم هم بود. علاوه بر آن، این تلاش از آغاز «دوران نظام» معطوف می شود به ارائه یک الگوی عینی در این زمینه که در نهایت یک سازه نظری نظام مند در زمینه پیشرفت به دست می دهد.

از این رو، اهمیت این پژوهش در این است که لازم است در مسیر پیشرفت و تعالی نظام بر اساس الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی، ساحت های پیشرفت در اندیشه امامین

انقلاب اسلامی بررسی شود تا فعالان این عرصه از شرایط و پیامدهای جهاد تبیین بهرمند شوند.

ضرورت این پژوهش در این نکته است که جهت دستیابی به مهم‌ترین ساحت‌های پیشرفت در اندیشه مقام معظم رهبری، باید مبنای بیانات ایشان در این زمینه را به‌درستی شناخت تا نقشه راه را تعیین نمود و مسیر را بر اساس آن پیمود و حال آن که پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه به ساحت‌های پیشرفت در اندیشه معظم‌له بر اساس مبنای مورد استناد ایشان نپرداختند، لذا نوآوری این پژوهش را دارا نمی‌باشند.

فرضیه پژوهش حاضر این است که ساحت‌های «پیشرفت» در بیانات رهبر حکیم انقلاب با امعان نظر به مبنای تربیت متعالیه امام خمینی 1، کارآترین مبنای کشف ساحت تربیتی پیشرفت می‌باشد. هدف اصلی این مقاله توسعه و تقویت دانش بومی در موضوع پیشرفت است. در راستای این هدف، بیانات آیه‌الله خامنه‌ای به عنوان مبنای تحلیل انتخاب شده است. کمک به جریان تحلیل علمی در کشور با محوریت اندیشه‌های مقام معظم رهبری و تقویت نقش آکادمیک دانشگاه‌ها در مطالعات راهبردی، از جمله اهداف فرعی این پژوهش است. روش‌شناسی مورد استفاده در این مقاله، روش‌شناسی کیفی است؛ برای این مهم از روش مفهوم‌شناسی و روش تفسیر متن به متن به عنوان روش عملیاتی تحقیق استفاده شده است.

از منظر رهبر معظم انقلاب، پیشرفت دارای ابعادی است و پیشرفت در مفهوم اسلامی، با پیشرفت یک‌بعدی یا دو‌بعدی در فرهنگ غربی متفاوت است (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۲۳). لذا از منظر ایشان باید ساحت، سمت و ابعاد پیشرفت مشخص شود (همان، ۱۳۸۹/۹/۱۰) و این امر بدون داشتن چارچوب و الگویی جامع و پیش‌رو بر اساس مبانی تربیتی ممکن نخواهد بود؛ چرا که از منظر امام خمینی 1 اساساً اسلام برای تربیت انسان آمده است و می‌خواهد او را در همه ابعاد تربیت کند (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۶، ص ۵۳۰).

اهمیت واکاوی نظرات امامین انقلاب اسلامی به عنوان مهم‌ترین افراد در تعیین و

تبیین خط مشی نظام اسلامی در موضوع پیشرفت، از آن جهت مهم است که می‌تواند منبع الهام و راهنمایی مؤثر در محیط‌های علمی برای غنا و تعمیق دریافت‌ها و برداشت‌های علمی - اسلامی و رفع گسستگی‌ها و شکاف‌های فکری - فرهنگی در درون جوامع اسلامی در موضوع پیشرفت باشد. از این رو، به دلیل جدیدبودن بحث الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت از یک سو و خاستگاه بومی این نظریه از سوی دیگر، در صددیم با تکیه بر مبانی تربیتی امامین انقلاب، مؤلفه‌های اصلی ابعاد تربیتی الگوی پیشرفت از منظر این دو اندیشمند را رمزگشایی کنیم.

روش پژوهش

روش‌شناسی مورد استفاده در این مقاله، روش‌شناسی کیفی است، برای این مهم از روش مفهوم‌شناسی و روش تفسیر متن به متن به عنوان روش عملیاتی تحقیق استفاده شده است. شیوه‌ای از پژوهش کیفی است که در آن، با استناد به بیانات و منظومه فکری یک اندیشمند، نظریه‌ای تکوین می‌یابد. توضیح آن که مفهوم‌شناسی عبارت است از شناخت مفاهیم مورد استفاده در آثار و بیانات امامین انقلاب و پیدا کردن یک زمینه ذهنی نسبت به یک مسأله مطرح شده در بیانات و روش تفسیر متن به متن به این معناست که برای شناخت مفاهیم، بهتر است پیش از مراجعه به سایر منابع، از تفسیر متن به متن بیانات (استفاده از سایر بیانات امامین انقلاب برای تبیین دیگر بیانات) استفاده شود؛ چراکه معمولاً امام خمینی¹ و خصوصاً رهبر انقلاب، پیش از ارائه موضوعات و مفاهیم مرتبط با نیازهای جامعه، ابعاد و حدود و ثغور آن را مشخص می‌نمایند. در رویکرد دانش‌پژوهانه نسبت به این بیانات، می‌توان علاوه بر اصل کلیدواژه، واژه‌های مرتبط (دارای رابطه ترادف، شمول یا تضاد) را نیز بررسی نمود تا نگرش جامع‌تری نسبت به کلیدواژگان به دست دهد. هم‌چنین پس از تبیین مفاهیم مورد مطالبه امامین انقلاب در سایر سخنان ایشان، در صورت لزوم به بررسی این مفهوم یا مفاهیم متناظر در متون و منابع دینی، گفتمان انقلاب اسلامی، قول بزرگان یا تحلیل و تبیین‌های پژوهش‌گران از بیانات ایشان پرداخته شود.

اهداف پژوهش

الگوی پیشرفت از مباحث مهم سیاسی - اجتماعی در اندیشه امامین انقلاب اسلامی است. به رغم بحث‌ها و گفت‌وگوهای فراوانی که در این زمینه میان نظریه‌پردازان دانشگاهی، مدیران و اندیشمندان صورت گرفته است، اما هنوز ابعاد تربیتی و الزامات مفهوم پیشرفت در قالب یک الگوی علمی - تحلیلی، بر اساس منظومه فکری ایشان ارائه نشده است. این مقاله به منظور پر کردن خلأ علمی در کشور و با الگو قرار دادن بیانات امامین انقلاب به بررسی ابعاد تربیتی مفهوم پیشرفت و الزامات آن در اندیشه سیاسی ایشان پرداخته است. به واسطه وجود تبیین الزامات ابعاد تربیتی در موضوع پیشرفت است که می‌توان زمینه تکثیر نظام سیاسی و تحقق تمدن نوین اسلامی را امید بست. به بیان دیگر، این مقاله ابعاد تربیتی و الزامات مفهوم پیشرفت را بررسی می‌کند.

پیشینه پژوهش

نتیجه جست‌وجوها، بررسی‌ها و مطالعات صورت گرفته به منظور اطلاع و آگاهی از پیشینه و سوابق کارهای علمی - پژوهشی انجام شده پیرامون این موضوع را می‌توان، به شرح ذیل دسته‌بندی نمود:

الف) در دسته‌ای از پژوهش‌ها، از منظر امام یا رهبر معظم به تعریف پیشرفت و راه‌های رسیدن به آن، بدون لحاظ به مبنای تربیت متعالیه پرداخته شده است. همانند مقاله پژوهشی «تعریف پیشرفت و راه‌های رسیدن به آن از دیدگاه مقام معظم رهبری بر اساس نظریه گفتمان لاکلاو و موفه» (تیموری؛ عبدالله‌زاده و کاوه پیشقدم، ۱۴۰۱، ش ۱، ص ۶۷-۵۱) و مقاله پژوهشی «طراحی مدل مفهومی اجرای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» (اجاقی و آقای فیروزآبادی، ۱۳۹۹، ش ۹۴، ص ۶۹-۶۷).

ب) در دسته دیگر از پژوهش‌ها، بررسی مکتب پیشرفت‌گرایی بر اساس مکتب تربیت اسلام از منظر شخصیتی هم‌چون شهید مطهری پرداخته شده است (حسین‌زاده یزدی و حسینی روحانی، ۱۳۹۳، ش ۵، ص ۵۸-۳۷)، با عنوان «تکامل و پیشرفت انسان و جامعه از دیدگاه شهید مطهری» به مبانی و اصول و روش‌های تعلیم و تربیت و تفکر از زاویه شهید مطهری پرداخت.

بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت در این زمینه، تاکنون پژوهشی با محوریت ساحت و ابعاد تربیت متعالیه در الگوی پیشرفت اسلامی در اندیشه امامین انقلاب اسلامی دیده نشده است، لذا نوآوری این پژوهش در این امر می‌باشد.

مبانی نظری پژوهش

جهت بررسی جایگاه تربیت در الگوی پیشرفت اسلامی در اندیشه امامین انقلاب اسلامی، باید مباحث ذیل تبیین شود: الف) از منظر ایشان آیا انسان اساساً نیاز به تربیت دارد و ثانیاً ابزار تربیت چیست؟ ب) ارتباط تربیت با مفهوم پیشرفت در اندیشه امامین انقلاب اسلامی چیست؟ پ) چارچوب و الگویی جامع و پیش‌رو بر اساس مبانی تربیتی در اندیشه امامین انقلاب اسلامی چیست؟

ضرورت تربیت در اندیشه امامین انقلاب اسلامی

از منظر امام خمینی ¹ ضرورت تربیت در نفوس مردم این گونه است که انسان موجودی است که از طریق ترکیه و تهذیب نفس می‌تواند به بالاترین مقامات برسد. البته در صورت انحراف نیز ممکن است به پست‌ترین درجات سقوط کند. بنابراین، انسان دارای ماهیت قابل تربیت است (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۶، ص ۵۳۰). خصلت ذاتی انسان، حرکت در مسیر صراط مستقیم، عدالت و اعتدال در چارچوب ارزش‌های خدایی است. این جاست که انسان نیازمند برنامه تربیتی جامع و مربی کامل است. زیرا این تربیت انسان است که او را به صراط مستقیم هدایت کرده و یا به شقاوت می‌کشاند (همان، ج ۸، ص ۵۱۶).

از منظر ایشان ابزار تربیت جهت رسیدن به پیشرفت و ترقی متعالیه، دو بال علم و عمل منطبق با تعالیم دین می‌باشد؛ چراکه علم و تعهد به منزله دو بال هستند که با هم می‌توانند به مراتب ترقی و تعالی برسند (همان، ج ۱۳، ص ۴۱۳). از منظر امام خمینی ¹ که عمیقاً معتقد به پیشرفت متعالیه بود، پیشرفت ملت ایران با وقوع انقلاب اسلامی مرهون آن تغییر و تحولی بود که در نفوس مردم پدید آمد (همان).

از منظر آیه الله خامنه‌ای هم تحول در نفوس با تربیت دینی محقق می‌شود. ازاین‌رو، می‌توان گفت در راستای ضرورت تربیت انسان، مسأله بعثت نبی مکرم اسلام، در واقع دعوت مردم به عرصه تربیت عقلانی و تربیت اخلاقی و تربیت قانونی می‌باشد که زندگی آسوده و رو به تکامل انسان به آن‌ها نیازمند است (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۴/۲۹) و لذا حتی لازمه علم، تزکیه می‌باشد (همان، ۱۳۸۹/۷/۱۴).

ازاین‌رو، می‌توان گفت در اندیشه امامین انقلاب اسلامی، تربیت انسان و در نتیجه تحول در نفوس انسان، به واسطه این که غایت دین می‌باشد، ضرورت دارد.

ارتباط تربیت با مفهوم پیشرفت در اندیشه امامین انقلاب اسلامی

با بررسی بیانات امامین انقلاب اسلامی به ارتباط تربیت انسان و الگوی پیشرفت مواجه می‌شویم. به عبارت دیگر، از منظر ایشان تحول در نفوس و تحقق تربیت مد نظر دین اسلام موجب تحقق پیشرفت جامعه می‌شود.

الف) ارتباط تربیت با مفهوم پیشرفت در اندیشه امام خمینی ۱؛ ارتباط تربیت با مفهوم پیشرفت در اندیشه امام خمینی، وثیق و دارای رابطه معناداری می‌باشد.

از منظر امام، مکتب اسلام با آن دستورات معنوی‌اش، مکتب پیشرفت و تعالی انسان است. ازاین‌رو، ایشان معتقدند ملت ایران با داشتن مکتبی متری چون اسلام، دلیلی ندارد که برای پیشرفت و تعالی خود از الگوهای غربی و یا کشورهای کمونیست تقلید کند (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۵۰۷). زیرا معظم‌له تحول و تربیت صحیح اسلامی را موجب پیشرفت می‌دانند. ایشان وقوع انقلاب اسلامی را پیشرفت ملت ایران قلمداد کرده‌اند و دلیل این انقلاب را تحول تربیتی در جان‌ها می‌دانند. لذا فرمودند:

پیشرفت ملت مرهون تحول در نفوس؛ این پیشرفتی که ملت ایران کرد، مرهون آن تغییری بود، تحولی بود که در نفوس پیدا شد (همان، ج ۶، ص ۲۲۹).

از منظر ایشان ابزار تحول معنوی که موجب پیشرفت می‌شود، با وحدت واقعی

حوزه و دانشگاه محقق می‌شود؛ چراکه علم و عمل، علم و تعهد به منزله دو بال هستند که با هم می‌توانند به مراتب ترقی و تعالی برسند (همان، ج ۱۳، ص ۴۱۳) و البته ایشان عمل به دستورات قرآن کریم را ابزار دیگر تحول معنوی در انسان و در نتیجه پیشرفت و تعالی انسان می‌داند؛ چرا که اسلام دین ترقی است. قرآن روش ترقی و شکوفایی انسان است (همان).

ب) ارتباط تربیت با مفهوم پیشرفت در اندیشه مقام معظم رهبری؛ در اندیشه مقام معظم رهبری هم ارتباط تربیت با مفهوم پیشرفت، وثیق و دارای رابطه معناداری می‌باشد؛ چرا که ایشان پیشرفت واقعی را مرهون نفوذ در «اخلاق، عدالت، معنویت و امنیت» جامعه می‌دانند و لذا پیشرفت جوامع غرب را به واسطه این که پیشرفت‌های‌شان به «اخلاق، عدالت، معنویت و امنیت» منتهی نشده است، پیشرفت حقیقی نمی‌داند (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۲/۶) و نقیصه اصلی پیشرفت غربی را، ناتوانی در استقرار اخلاق و معنویت و عدالت می‌دانند (همان، ۱۳۹۲/۵/۱۵) و این را خطای بزرگ کسانی می‌دانند که تمدن و حرکت علمی و صنعتی را در اروپا شروع کردند (همان، ۱۳۸۳/۳/۱۴). از این رو است که ایشان عمیقاً معتقد به لزوم جریان‌های هدایت‌گر معنوی در جامعه جهت پیشرفت هستند (همان، ۱۳۸۳/۳/۲۱).

بنابراین، با بررسی بیانات امامین انقلاب اسلامی به ضرورت احیا و اعتلای پیشرفت بر محور تربیت در اخلاق و معنویت مواجه می‌شویم. از سوی دیگر، بررسی موضوع پیشرفت در اندیشه این دو شخصیت، بدون داشتن چارچوب و الگویی جامع و پیشرو بر اساس مبانی تربیتی ممکن نخواهد بود. به نظر می‌رسد که دیدگاه ایشان به الگوی پیشرفت اسلامی با نگاه تربیت متعالیه باشد. لذا لازم است به ابعاد مبنای تربیت متعالیه در اندیشه امامین انقلاب اسلامی پرداخته شود.

تربیت متعالیه متأثر از حکمت متعالیه چارچوبی جهت تحلیل الگوی پیشرفت

از منظر رهبر معظم انقلاب، پیشرفت دارای ابعادی است و پیشرفت در مفهوم اسلامی، با پیشرفت یک‌بعدی یا دو‌بعدی در فرهنگ غربی متفاوت است (همان، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

لذا از منظر ایشان باید ساحت و ابعاد پیشرفت مشخص شود (همان، ۱۳۸۹/۹/۱۰) و این امر بدون داشتن چارچوب و الگویی جامع و پیشرو بر اساس مبانی تربیتی ممکن نخواهد بود؛ چرا که از منظر امام خمینی ۱ اساساً اسلام برای تربیت انسان آمده است و می‌خواهد او را در همه ابعاد تربیت کند (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۵، ص ۳۱۳). به نظر می‌رسد تربیت متعالیه متأثر از حکمت متعالیه، چارچوبی جهت تحلیل الگوی پیشرفت در اندیشه امامین انقلاب اسلامی باشد.

این که امام خمینی ۱ چکیده و زبدهٔ مکتب ملاصدر است (خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۹/۸) و در جرگه حکمت متعالیه و متأثر از صدرالمآلهین شیرازی است... انسان‌شناسی - امام خمینی هم مبتنی بر حکمت متعالیه است (لکزایی و لکزایی، ۱۳۹۰، ش ۵۱، ص ۱۴۹). در راستای انسان‌شناسی مبتنی بر حکمت متعالیه، از منظر امام خمینی ۱ تربیت الهی در مقابل تربیت متدانیه قرار می‌گیرد. در تربیت متدانیه به عوامل بقای انسان در دنیای مادی تأکید می‌شود و از بقای ابدی و اخروی انسان غفلت می‌شود (همان). از این‌رو، امام خمینی هم‌سو با حکمت متعالیه و بر اساس روایتی در کتاب چهل حدیث (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۳۲)، جستاری را ارائه می‌دهد که ابزار تفکر منطقی در باره مسائل تربیت انسان در ابعاد گوناگون را فراهم کرده است. ایشان مدعی هستند، اگر به ابعاد انسان که در راستای نشئات عالم هستی می‌باشد، پاسخ مناسب بر اساس سه بخش دین داده شود، وی یک انسان تربیت‌یافته اسلامی است و می‌تواند در تحقق هر چیز ایده‌آلی تأثیر شگرفی داشته باشد. نگاه امام به پیشرفت، بر همین نگاه انسان‌شناسانه مبتنی بر حکمت متعالیه استوار است، لذا می‌توان گفت حکمت متعالیه پشتوانه و پشتیبان فکری و فرهنگی مفهوم پیشرفت است و می‌توان از آن به عنوان چارچوبی جهت تحلیل جامعه و تمدن پیشرفته استفاده کرد.

نگاه امام خمینی ۱ به علوم، مثل نگاه ایشان به اسلام، کاملاً جامع و منظومه‌ای و متکی به مبانی انسان‌شناسی ایشان است. امام بر اساس حدیث مذکور (همان)، از پیامبر گرامی اسلام علوم را به سه دسته و منطبق بر سه لایه وجودی انسان تقسیم می‌کنند؛ این حدیث همراه توضیح امام خمینی باید مبنای طرح نقشه علمی جهان اسلام قرار

گیرد. در آن صورت است که تحقق بخش پیشرفت واقعی، تمدن ساز و اقتدارآور خواهد بود. امام خمینی 1 در شرح این حدیث با توجه به سه لایه وجودی انسان، آیه محکمه را علوم عقلیه و عقاید حقه و معارف الهیه، فریضه عادلانه را مربوط به علم اخلاق و سنت قائم را مربوط به علوم تعبیه و آداب شرعیه می دانند (معینی پور و لکزایی، ۱۳۹۱، ش ۲۸، ص ۶۷)؛ چرا که از منظر امام، اسلام برای تربیت انسان آمده است و می خواهد او را در همه ابعاد تربیت کند (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۵، ص ۳۱۳). بنابراین، بر اساس مکتب امام خمینی 1، تربیت متعالیه در ابعاد سه گانه اخلاقی، اعتقادی و رفتاری در فرد و سپس جامعه به وجود می آید.

از سوی دیگر، آیه الله خامنه ای خودشان را موظف به تبعیت از مکتب امام خمینی در همه ابعاد می دانند (خامنه ای، ۱۳۶۹/۳/۱۴). ایشان هم در راستای تربیت متعالیه امام خمینی، هدف بعثت نبی مکرم اسلام را دعوت مردم به عرصه تربیت عقلانی و تربیت اخلاقی و تربیت قانونی می دانند (همان، ۱۳۸۸/۴/۲۹).

لازم به ذکر است، پیشرفت متعالیه که مبتنی بر تربیت متعالیه می باشد، به ترتیب، ابتدا تربیت معرفتی محقق می شود، سپس بر اساس معرفت مطلوب کسب شده، تحول معنوی در نفس (تربیت اخلاقی) و نهایتاً انطباق رفتارهای فردی و اجتماعی شخص مبتنی بر قوانین دینی می شود (تربیت فقهی) محقق می شود. احادیث اسلامی مملو از تعبیراتی است که نشان می دهد دارا بودن علم و معرفت و آگاهی (تربیت معرفتی) مقدم بر دارا شدن فضایل اخلاقی است (تربیت اخلاقی) و انطباق بر قوانین دینی (تربیت فقهی)، به عنوان مثال، حضرت علی 7 میوه درخت معرفت را زهد در دنیا که یک فضیلت اخلاقی است، می دانند:

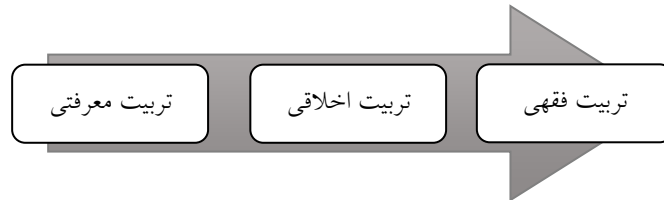
«ثمرة المعرفة العزوف عن الدنيا» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۲۹).

هم چنین در حدیث دیگری در همین زمینه از همان حضرت می خوانیم:

«يسير المعرفة يوجب الزهد في الدنيا» (همان، ص ۸۰۲)؛ مختصر معرفت و

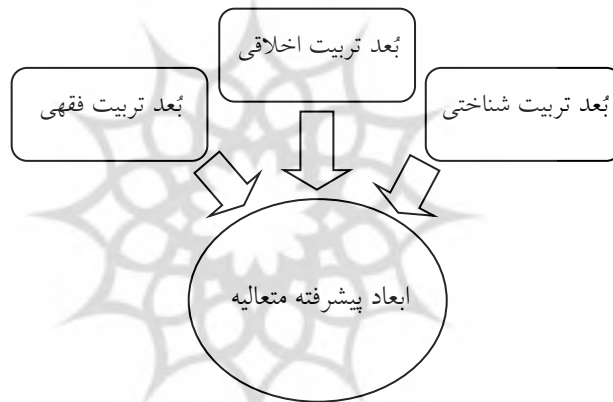
آگاهی، موجب زهد در دنیا است.

نمودار ۱: اولویت تربیت در تربیت متعالیه



لذا می‌توان گفت بر اساس مکتب امامین انقلاب اسلامی، پیشرفت مطلوب اسلامی در صورتی به وجود می‌آید که تربیت متعالیه در ابعاد سه‌گانه اخلاقی، اعتقادی و فقهی در فرد و سپس جامعه به وجود آید.

نمودار ۲: ابعاد پیشرفت متعالیه



ابعاد تربیت در الگوی پیشرفت اسلامی در اندیشه امامین انقلاب اسلامی

بعد از تبیین ضرورت تربیت و ارتباط تربیت با مفهوم پیشرفت در اندیشه امامین انقلاب اسلامی، نهایتاً به چارچوبی جهت تحلیل الگوی پیشرفت در قالب تربیت متعالیه متأثر از حکمت متعالیه رسیدیم. حال با حفظ مطالب پیشین می‌بایست ابعاد تربیت در الگوی پیشرفت اسلامی در اندیشه امامین انقلاب اسلامی تبیین شود که در سه بُعد ذیل قابل تحلیل می‌باشد.

بُعد تربیت معرفتی الگوی پیشرفت

در الگوی پیشرفت از حیث معرفتی بر اساس تربیت متعالیه و در راستای دیدگاه

امامین انقلاب اسلامی، می‌توان گفت تمام مقصد انبیا سوق دادن همه انسان‌ها به معرفت‌الله است (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۵، ص ۵۰۷). از این رو، اولاً: باید نظام اسلامی در راستای عمق‌بخشیدن به معرفت دینی حرکت بکنند (خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۷/۲۵). ثانیاً: زمانی که نظام اسلامی بر اساس مبنای معرفتی شکل بگیرد، به طور طبیعی باید انتشار پیدا بکند و عقبه عاطفی و فکری ملت‌ها را برای خودش کسب کند (همان)، آن وقت است که گام اساسی در جهت تربیت معرفتی در نظام اسلامی برداشته می‌شود.

مراد از تربیت معرفتی، «معارف زمانه‌شناسانه ناظر به شرایط عصری حیات اجتماعی دین» می‌باشد. در واقع تحول معرفتی شرح معرفت‌های کلان بنیادین، راهبردی و کاربردی نظام اسلامی و دستیابی به اندیشه راهنمای کلان جهت مدیریت برنامه‌های اسلامی است؛ چراکه به فهم مباحث اسلامی به شکل کارساز برای مسائل دنیای این قرن نیاز مبرم وجود دارد (همان، ۱۳۷۰/۱۱/۱۴). تربیت معرفتی در نظام اسلامی منوط به شناخت صحیح هست؛ زیرا شناخت صحیح در همه کارها همانند شناخت و هوشیاری در صحنه جنگ بسیار لازم است (همان، ۱۳۸۸/۵/۵). البته باید گفت منبع ایجاد تربیت معرفتی در نظام اسلامی جهت شناخت صحیح و تربیت اعتقادی علما و متفکران دینی می‌باشند (همان، ۱۳۷۰/۱۱/۱۴).

لازم به ذکر است با الزامات ذیل، به لحاظ معرفتی شخص به معرفت‌های کلان بنیادین، راهبردی و کاربردی نظام اسلامی دست می‌یابد. به عبارت دیگر، زمانی که الزامات ذیل محقق شود، می‌توان انتظار داشت بعد تربیت معرفتی الگوی پیشرفت ایجاد شود.

الزامات تربیت معرفتی پیشرفت

از منظر رهبر معظم انقلاب، تربیت معرفتی پیشرفت، الزاماتی دارد. از منظر ایشان طراحی الگوی اسلامی - ایرانی از حیث معرفتی، حرکتی است که هرگز متوقف نخواهد شد؛ چراکه راهی است که دائماً ضرورت می‌یابد و این بدین خاطر است که انسان و استعداد های بشری حد یقف ندارد (همان، ۱۳۹۱/۷/۲۳). به عبارت دیگر،

الگوی مذکور، ارائه محصول انقلاب اسلامی و طراحی یک تمدن جدید و پیشرفته در همه عرصه‌ها بر مبنای تفکر و اندیشه اسلام است (همان، ۱۳۹۱/۱۲/۱۴).

یکی از الزامات تربیت معرفتی پیشرفت، این است که در مسئولان و جامعه این معرفت به وجود بیاید که الگوهای رایج توسعه، از لحاظ مبانی معرفتی، غلط و بر پایه اومانیزم و اصول غیر الهی هستند و از لحاظ آثار و نتایج نیز نتوانسته‌اند وعده‌هایی را که در خصوص ارزش‌هایی نظیر «آزادی» و «عدالت» داده بودند، محقق کنند. لذا اگر جوامع غربی پیشرفت‌هایی داشته‌اند، اما پیشرفت‌ها تا اعماق آن جوامع نفوذ نکرده و به «اخلاق، عدالت، معنویت و امنیت» منتهی نشده است (همان، ۱۳۹۵/۲/۶). لذا مهم‌ترین لازمه تربیت معرفتی پیشرفت این است که حرکت و هدف رسیدن به اخلاق، عدالت، معنویت و امنیت باشد و این امر محقق نمی‌شود، مگر این که در مسئولان و جامعه معرفت و ایمان تحقق پیدا کند، ایمان به معنای ایمان توحیدی خالص که هم در ساخت شخصیت انسان‌ها، ساخت جامعه و قواره عمومی و هم در عمل شخصی و در شکل اجتماعی امتداد دارد (همان، ۱۳۹۹/۶/۲). از منظر ایشان بدون ایمان، پیشرفت امکان‌پذیر نیست؛ در جامعه اسلامی آن چیزی که به آن ایمان داریم (برخلاف غرب که ایمان به لیبرالیسم، کاپیتالیسم، کمونیسم و یا فاشیسم دارند)، توحید ناب می‌باشد. ایمان به یک اصل، ایمان به یک لنگرگاه اصلی اعتقاد؛ یک چنین ایمانی باید وجود داشته باشد. بر اساس این ایمان، سبک زندگی انتخاب خواهد شد (همان، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

یکی دیگر از الزامات تربیت معرفتی پیشرفت، این است که برای رسیدن به پیشرفت باید در مسیر علم حرکت کرد؛ چراکه دنیای غرب ثروتش از ناحیه علم است، اقتدارش از ناحیه علم است. لذا دلیل این که ایشان سال‌هاست روی مسأله علم، تحقیق، پژوهش، نوآوری، شکستن مرزهای علمی موجود تکیه می‌کنند، به خاطر این است که بدون انواع دانش، اقتدار کشور امکان‌پذیر نیست (همان، ۱۳۸۸/۸/۶). البته مراد از پیشرفت در علم، شامل هم علم طبیعی به آن معنا که غربی‌ها هنرشان را در آن نشان دادند و هم علم الهی که علم به هویت انسان، علم به عالم ملکوت و علوم الهی برتر

است، می‌باشد(همان، ۱۳۹۹/۶/۲). البته لازم به ذکر است حرکت به سوی علم، جهت دستیابی به پیشرفت مد نظر، منوط به رعایت نکات ذیل است:

الف) «تنظیم و تدوین علمی»، «ایجاد زمینه برای بحث و تضارب آرا در باره الگو»، «مشخص شدن مرزبندی‌ها و تمایزات الگو با نسخه‌های فراوان و مکاتب موجود در دنیا»، «توجه توأمان به آرمان‌ها و واقعیات»، «کاربردی بودن» و «برخورداری از قوت و مقاومت علمی در برابر نظرات معارض و مخالف»(همان، ۱۳۹۵/۲/۶).

ب) توجه به فرهنگ، تاریخ، جغرافیا، اقلیم، آداب و سنن و سرمایه‌های انسانی و طبیعی کشور که در غیر این صورت الگوی پیشرفت، سندی غیر قابل تحقق و بدون استفاده خواهد شد(همان).

پ) گفتمان‌سازی در میان نخبگان که لازمه تحقق الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و رسوخ آن در جامعه است(همان، ۱۳۹۱/۱۲/۱۴).

بُعد تربیت اخلاقی الگوی پیشرفت

در الگوی پیشرفت از حیث اخلاقی بر اساس تربیت متعالیه و در راستای دیدگاه امامین انقلاب اسلامی می‌توان گفت، می‌بایست تحول معنوی و اخلاقی را در انسان جهت پیشرفت ایجاد کرد؛ چراکه از منظر امام خمینی 1 و بر اساس آموزه‌های اسلامی مؤثر در عالم وجود فقط الله است و لذا انسان باید هرچه بیش‌تر خودش را از حیث اخلاقی به خدا نزدیک کند(امام خمینی، ۱۳۸۲، ص ۲۱۹). لذا باید با بیداری و برانگیختگی درونی به سوی مبدأ مطلق برای نیل به بالاترین درک وجدانی وجودی از توحید در بستر حرکت به سمت اهداف انقلاب اسلامی و مؤثر در افزایش انگیزه و بصیرت انقلابی و سراسیمگی در مجاهدت و مقابله با دشمن برخیزد؛ هم‌چنان که معتقدند:

اولین و مهم‌ترین کاری که در پیش روی ما قرار دارد، تحول معنوی و روحی انسان‌هاست. ما متأثر از تربیت‌های طولانی غیر اسلامی هستیم (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۱/۱۴).

بنابراین، با بررسی در هندسه فکری معظم‌له، متوجه می‌شویم ایشان در عرصه و مرتبه حوزه معنویت، معنویت را آن محبت و آن کشش و آن معرفت فطری برانگیزاننده درونی می‌دانند که دائماً انسان را به سمت آن غایت مطلوب که تقرب الی الله است، فرا می‌خواند. در واقع آن کشش درونی و آن محبت درونی به سمت تقرب الی الله را که به صورت فطری در انسان قرار دارد «معنویت»، تعریف می‌نمایند. در واقع، انسان مفطور به محبت الهی و معرفت الهی است (همان، ۱۳۸۶/۶/۸).

در هندسه فکری معظم‌له، معنویت واقعی در مکتب اهل بیت، معنویتی بدون انزوا، بدون جدایی از زندگی و به عبارتی، معنویت همراه با سیاست و عرفان، همراه با فعالیت اجتماعی، تضرع و گریه در درگاه خدای متعال و همراه با جهاد است. در واقع از منظر ایشان، اسلام، معنویت بدون نگاه به مسائل اجتماعی و سرنوشت انسان‌ها ندارد:

آدم معنوی‌ای که با ظلم بسازد، با طاغوت بسازد، با نظام ظالمانه و سلطه بسازد، این چطور معنویتی است؟ (همان، ۱۳۸۶/۶/۸).

الزامات تربیت اخلاقی پیشرفت

از منظر رهبر معظم انقلاب، تربیت اخلاقی پیشرفت، الزاماتی دارد. ایشان با اشاره به تحت تأثیر بودن دنیای امروز از الگوی تمدن و پیشرفت غرب و تسلط تمدن غربی بر همه عرصه‌های زندگی، خاطرنشان کردند در چنین شرایطی، طراحی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت نیازمند جرأت، شجاعت و انگیزه بسیار قوی است (همان، ۱۳۹۱/۱۲/۱۴). زیرا هدف دشمن در طول سال‌های متمادی القای بدبینی، تحقیر به ملت و آینده بوده است (همان، ۱۳۹۱/۷/۲۲). لذا از منظر ایشان یکی از شاخص‌های پیشرفت یک ملت، عزت ملی و اعتماد به نفس ملی است (همان). لازم به ذکر است اعتماد به نفس ملی با هرچه بیشتر آشناتر شدن با اسلام، احکام و معارف قرآن محقق خواهد شد (همان). البته مسیر پیشرفت مغرورشدن و غفلت کردن از کید و مکر دشمن، خطرات بزرگی دارد (همان). لذا از حیث اخلاقی هیچ ملاحظه و رودربایستی نباید در تمام مراحل

طراحی این الگو بر مبنای اسلامی به صورت جامع و دقیق، صورت گیرد(همان، ۱۳۹۱/۱۲/۱۴).

ایشان معتقدند در مسیر انجام این کار بلندمدت و بسیار مهم و دقیق، در کنار بدبین‌بودن و عدم غرور و پرهیز از هرگونه شتاب‌زدگی(همان) نیازمند روحیه جهادی و اخلاص می‌باشد(همان) تا موتور حرکت، هیچ‌گاه خاموش نشود(همان).

یکی از مهم‌ترین الزامات اخلاقی پیشرفت از منظر ایشان، اهمیت‌دادن به سبک زندگی اسلامی است؛ چراکه مسأله اساسی و مهمی است(همان، ۱۳۹۱/۷/۲۳). از نظر مقام معظم رهبری باید در سبک زندگی تغییر به وجود بیاید؛ چراکه سبک زندگی کنونی سبک جامعه اسلامی نیست و این که این سبک با معیارهای پیشرفت جامعه سازگار نیست و لذا اگر این سبک زندگی را تغییر ندهیم، نمی‌توانیم گفتمان پیشرفت در کشور داشته باشیم(همان). مراد از سبک زندگی اسلامی در الگوی پیشرفت اسلامی؛ زندگی راحت و برخوردار از امنیت روانی و اخلاقی(همان)، پیشرفت در علم و فناوری و جلوه‌های گوناگون تمدن مادی، همراه با عدالت اجتماعی می‌باشد(همان، ۱۳۹۱/۷/۲۲).

یکی دیگر از مهم‌ترین الزامات اخلاقی پیشرفت از منظر ایشان، بصیرت و روشن‌بینی می‌باشد؛ زیرا در عرصه رویارویی و رزم انسانی و جنگ اراده‌ها با دشمنان، آن چه که می‌تواند تعیین‌کننده باشد، تصمیم و اراده و بصیرت و روشن‌بینی مردم می‌باشد(همان). لذا ترسیم پیشرفت و آینده روشن و افق زیبا و شیوا و جذاب، فقط در صورتی قابل تحقق است که ملت و مسئولان هشیار و بیدار باشند و دچار غفلت از نگاه به آینده کشور نشوند(همان).

بُعد تربیت فقهی الگوی پیشرفت

بر اساس تربیت متعالیه و در راستای دیدگاه امامین انقلاب اسلامی، انطباق کامل با قالب‌ها و معیارهای شرع، شرط اصلی الگوی پیشرفت از حیث فقهی می‌باشد. امام خمینی 1 در راستای تبیین ویژه‌گی‌های انسان تربیت‌یافته که مترقی و پیشرفته می‌باشد، معتقد است که او دو چهره ظاهری و باطنی دارد که چهره ظاهری‌اش مسائل فقهی

است که افراد در مسیر پیشرفت باید از این بُعد بهره مناسب را بجویند (امام خمینی، ۱۳۷۶، ص ۸۳). لذا ایشان تأکید داشتند به این که باید همان طوری که با همان قوتی که مشایخ ما از اول تا حالا فقه را حفظ کردند، ما هم به همان ترتیب حفظ بکنیم (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۶، ص ۱۲). در این زمینه آیه الله خامنه ای هم معتقدند امت اسلامی می بایست در مسیر پیشرفت بر اساس قوانین دینی، قالب ها و معیارهای شرع حرکت کند. لذا در این زمینه فرمودند:

امت اسلامی با همه ابعاد خود در قالب ملت ها و کشورها، باید به جایگاه تمدنی مطلوب قرآن دست یابد... آرایش ظاهری این تمدن را در حکومت مردمی، در قوانین برگرفته از قرآن، در اجتهاد و پاسخ گویی به نیازهای نوبه نوی بشر، در پرهیز از تحجر و ارتجاع و نیز بدعت و التقاط، در ایجاد رفاه و ثروت عمومی، در استقرار عدالت، در خلاص شدن از اقتصاد مبتنی بر ویژه خواری و ربا و تکاثر، در گسترش اخلاق انسانی، در دفاع از مظلومان عالم و در تلاش و کار و ابتکار، می توان و باید مشاهده کرد. نگاه اجتهادی و عالمانه به عرصه های گوناگون، از علوم انسانی تا نظام تعلیم و تربیت رسمی و از اقتصاد و بانکداری تا تولید فنی و فناوری و از رسانه های مدرن تا هنر و سینما و تا روابط بین الملل و غیره و غیره، همه از لوازم این تمدن سازی است (خامنه ای، ۱۳۹۲/۲/۹).

بر اساس نظر ایشان، معنای شعار دولت اسلامی این است که ما می خواهیم اعمال فردی، رفتار با مردم، رفتار بین خودمان و رفتار با نظام های بین المللی و نظام سلطه امروز جهانی را به معیارها و ضوابط اسلامی نزدیک تر کنیم... چون گامی بلند خواهد بود در راه رسیدن به آن هدف ها؛ یعنی پیشرفت حقیقی (همان، ۱۳۸۴/۶/۸).

انطباق کامل با قواعد دینی و فقهی؛ هم در کارکرد افراد در نظام اسلامی لازم است و هم در ساختار و قالبی که آن ها در آن ساختار وظایف شان را بر اساس دین انجام می دهند؛ زیرا در دولت، ساختارها و روش ها به مثابه سامانه ای هستند که کارگزاران درون آن با یک دیگر در تعامل بوده و عمل می کنند و اگر حالتی را تصور کنیم که در

آن حالت کارگزاران دارای ویژگی‌های اسلامی باشند، اما روش‌ها و ساختارهای برآمده از آن بر اساس الگوهای غیر دینی و سکولار باشند، عملاً این اقتضائات، روابط و الگوهای سکولار است که خود را بر آرمان‌ها و مطلوبیت‌های مد نظر حکومت اسلامی تحمیل می‌کند و آن را در چارچوب‌های تحمیلی خود محدود می‌سازد. در این صورت، عملاً نهادها و ساختارهای نظام با نوعی تضاد درونی و دائمی بین حکومت اسلامی و الگوهای سکولار مواجه خواهند بود. در این بین با توجه به ضرورت «فقه‌مداری» و «فقیه‌محوری» نظام سیاسی شیعه در عصر غیبت (همان، ۱۳۹۰/۶/۱۷)، ضروری است که تمامی مراحل فرآیند تکاملی نظام اسلامی، مبتنی بر فقه شیعی باشد. لذا ایشان در این رابطه تأکید دارند که در جامعه اسلامی باید افرادی مسلط به علوم و دانش دین که مورد نیاز برای پاسخ‌گویی به نیازهای جدید می‌باشد، پرورش یابند (همان، ۱۳۸۵/۳/۲۲).

الزامات تربیت فقهی پیشرفت

از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی، تربیت فقهی پیشرفت، الزاماتی دارد. یکی از مهم‌ترین الزامات فقهی پیشرفت از منظر ایشان این است که اسلام در موضوع پیشرفت، الگوی مستقل خودش را در نظام‌سازی و جامعه‌سازی دارد (همان، ۱۳۹۹/۶/۲) و لذا لزومی ندارد که در موضوع پیشرفت، غرب برای ما الگو بدهد (همان، ۱۳۹۶/۳/۳۱). بر این اساس، دستور کار قطعی نظام جمهوری اسلامی، دنبال کردن الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی است (همان، ۱۳۹۲/۵/۱۵) و این الگو این قابلیت را دارد که تا پنجاه سال قالب حرکت کشور در جهات مختلف باشد (همان، ۱۳۹۷/۸/۱۲).

از این رو، ایشان معتقدند ضمن این که همه موظف به تبلیغ این الگو هستند (همان، ۱۳۹۹/۶/۲)، موظفند با عمل کرد خود، الگوی پیشرفت اسلامی را در چشم مردم جهان شیرین کنند (همان) و این امر میسر نمی‌شود، مگر این که افراد از حیث شناخت وظیفه خود، بدانند که با خدمت در نظام اسلامی در واقع چهره اسلام را و الگوی اسلامی را نشان می‌دهند (همان).

یکی دیگر از مهم‌ترین الزامات فقهی پیشرفت از منظر ایشان این است که مسئولان از حیث عمل به وظایف خود در تحقق الگوی پیشرفت اسلامی، بدانند که در جنبه‌های گوناگون آن عقب هستیم و تحرک نظام اسلامی در این زمینه تحرک مناسب و شایسته‌ای نبوده (همان)؛ خصوصاً در موضوع تحقق عدالت به معنای وسیع آن؛ هم در عدالت اقتصادی، هم عدالت قضایی، هم عدالت اجتماعی (همان)؛ البته با توجه به اصرار دشمنان نظام اسلامی بر روی موضوع اقتصاد، ایشان گفتمان اقتصاد مقاومتی را به عنوان تنها راه پیشرفت اقتصادی کشور مطرح می‌کنند که شاکله اصلی این گفتمان تکیه بر نیروی داخلی و تولید ملی است (همان، ۱۳۹۴/۱/۱). از منظر ایشان راه عملی تحقق گفتمان اقتصاد مقاومتی با حمایت از بنگاه‌های متوسط و کوچک، تقویت فعالیت بنگاه‌های دانش‌بنیان، ایجاد نهضت کاهش خام‌فروشی، تسهیل سرمایه‌گذاری، کاهش واردات کالاهای مصرفی و مبارزه با قاچاق می‌باشد (همان). البته اقتصاد مقاومتی با تکیه بر مردم، عملی می‌شود؛ زیرا توسعه باید به مردم گره بخورد؛ چون مردم محور توسعه هستند (همان، ۱۳۸۲/۵/۱۵). موضوع مهم دیگر در این زمینه این است که از منظر ایشان، ضمن این که همه در زمینه تحقق پیشرفت اسلامی وظیفه دارند (همان، ۱۳۹۱/۷/۲۳)، افراد و گروه‌های ذیل در این رابطه مسئولیت مستقیم و بیش‌تری دارند:

الف) جوانان؛ ایشان معتقدند جوان‌ها می‌بایست خودشان را در قبال مسأله پیشرفت کشور مسؤول بدانند... زیرا آن‌ها جزئی از فعالان این نقشه وسیع و همه‌جانبه هستند. لذا باید خودشان را برای این امر آماده کنند (همان، ۱۳۹۷/۸/۱۲).

ب) حوزه‌های علمیه؛ ایشان استفاده از ظرفیت حوزه‌های علمیه در موضوع پیشرفت را ضروری و لازم می‌دانند (همان، ۱۳۹۱/۱۲/۱۴). لذا معتقدند تحقیقات عمیق اسلامی و ارتباط وثیق و پیوسته با حوزه‌های علمیه و فضایی متفکر، آگاه و مسلط بر مبانی فلسفی، کلامی و فقهی، لازمه تحقق پیشرفت می‌باشد (همان، ۱۳۹۵/۲/۶).

پ) دانشگاه‌ها و اساتید (همان، ۱۳۹۶/۳/۳۱).

ت) رسانه‌ها، تربیون‌دارها، مدیران دستگاه‌های فرهنگی و تربیتی؛ کسانی که برای دانشگاه‌ها یا برای مدارس برنامه‌ریزی آموزشی می‌کنند (همان، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

نتیجه‌گیری

شناخت دقیق ابعاد تربیت و الزامات آن در الگوی پیشرفت اسلامی از منظر امامین انقلاب اسلامی، هدف اصلی این پژوهش می‌باشد. بر اساس سؤال و در راستای فرضیه پژوهش، یافته‌ها عبارتند از:

تربیت در اندیشه امامین انقلاب اسلامی ضرورت دارد. در اندیشه امامین انقلاب اسلامی، تربیت با مفهوم پیشرفت ارتباط وثیق و دارای رابطه معناداری می‌باشد. تربیت متعالیه متأثر از حکمت متعالیه چارچوبی جهت تحلیل الگوی پیشرفت می‌باشد. بر اساس مکتب امامین انقلاب اسلامی، پیشرفت مطلوب اسلامی در صورتی به وجود می‌آید که تربیت متعالیه در ابعاد سه‌گانه اخلاقی، اعتقادی و فقهی در فرد و سپس جامعه به وجود آید. ساحت تربیت در الگوی پیشرفت اسلامی دارای ابعاد معرفتی، اخلاقی و فقهی می‌باشد و این که هر بُعد از ساحت تربیت دارای الزاماتی می‌باشد که باید در مسیر پیشرفت مد نظر قرار گیرند.

الزامات بُعد معرفت در الگوی پیشرفت اسلامی عبارتند از: معرفت به ضرورت داشتن دائمی حرکت پیشرفت، معرفت به این که حرکت و هدف از پیشرفت، رسیدن به اخلاق، عدالت، معنویت و امنیت می‌باشد، لازمه ایمان، معرفت به توحید ناب است و حرکت به سوی علم؛ اعم از علم طبیعی و علم الهی، لازمه پیشرفت می‌باشد.

الزامات بُعد اخلاقی در الگوی پیشرفت اسلامی عبارتند از: نیاز به جرأت، شجاعت و انگیزه بسیار قوی در طراحی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، عدم ملاحظه و رودربایستی در تمام مراحل طراحی این الگو بر مبنای اسلامی، نیاز به افزایش اعتماد به نفس ملی که با آشناتر شدن با اسلام، احکام و معارف قرآن محقق می‌شود، پرهیز از هرگونه شتاب‌زدگی، روحیه جهادی و اخلاص، محوربودن سبک زندگی اسلامی در الگوی پیشرفت و بصیرت و روشن‌بینی.

الزامات بُعد فقهی الگوی پیشرفت اسلامی عبارتند از: لزوم ملاحظه به الگوی غیر غربی و مستقل اسلام در موضوع پیشرفت که منجر به نظام‌سازی و جامعه‌سازی می‌شود،

دستور کار قطعی نظام جمهوری اسلامی، دنبال کردن الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی است، همه مردم موظف به تبلیغ این الگو هستند، وقوف به عقب‌بودن در جنبه‌های گوناگون پیشرفت؛ خصوصاً موضوع تحقق عدالت به معنای وسیع آن، با لحاظ به اصرار دشمنان نظام اسلامی بر روی موضوع اقتصاد، گفتمان اقتصاد مقاومتی به عنوان تنها راه پیشرفت کشور مطرح می‌باشد، افراد و گروه‌هایی که مسئولیت مستقیم و بیش‌تری در موضوع پیشرفت دارند، عبارتند از: جوانان، حوزه‌های علمیه، فضایی متفکر، آگاه و مسلط بر مبانی فلسفی، کلامی و فقهی، دانشگاه‌ها و اساتید، رسانه‌ها، تربیون‌دارها، مدیران دستگاه‌های فرهنگی و تربیتی.

منابع و مأخذ

۱. اجاقی، صبا و آقایی فیروزآبادی، سیدمحمود، «طراحی مدل مفهومی اجرای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت»، فصلنامه راهبرد، سال بیست و نهم، ش ۹۴، ۱۳۹۹.
۲. امام خمینی، سیدروح‌الله، شرح حدیث «جنود عقل و جهل»، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی؛ ، ۱۳۸۲.
۳. امام خمینی، سیدروح‌الله، صحیفه امام، ج ۳، ۴، ۶، ۸، ۱۳، ۱۵ و ۱۶، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی؛ ، ۱۳۷۸.
۴. امام خمینی، سیدروح‌الله، کشف الاسرار، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی؛ ، ۱۳۷۸.
۵. امام خمینی، سیدروح‌الله، ولایت فقیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی؛ ، ۱۳۷۶.
۶. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، محقق / مصحح: سیدمهدی رجایی، قم: دارالکتاب الاسلامی، ج ۲، ۱۴۱۰ ق.
۷. تیموری، روح‌الله و عبدالله‌زاده، حسن و کاوه پیشقدم، محمدکاظم، «تعریف پیشرفت و راه‌های رسیدن به آن از دیدگاه مقام معظم رهبری بر اساس نظریه گفتمان لاکلاو و موفه»، فصلنامه علمی سیاست‌پژوهی تحول در علوم انسانی، دوره یکم، ش ۱، ۱۴۰۱.
۸. حسین‌زاده یزدی، مهدی و حسینی روحانی، حمیده سادات، «تکامل و پیشرفت انسان و جامعه از دیدگاه شهید مطهری»، دوفصلنامه الگوی پیشرفت اسلامی و ایرانی، ش ۵، ۱۳۹۳.
۹. دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیه‌الله العظمی خامنه‌ای: <https://farsi.khamenei.ir>

۱۰. رجب‌پور قرخانی، سمیه و دیگران، «بررسی تطبیقی تعلیم و تربیت در روی‌کرد پیشرفت‌گرایی (با تأکید بر آراء تربیتی جان دیویی) (و تعلیم و تربیت اسلامی (مطهری))»، دومین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، علوم تربیتی و رفتاری، ۱۳۹۶.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۱، تهران: اسلامیه، ۱۳۶۲.
۱۲. لک‌زایی، نجف و لک‌زایی، رضا، «تحلیل انقلاب اسلامی ایران در چهارچوب حکمت متعالیه»، پژوهشنامه متین، ش ۵۱، ۱۳۹۰.
۱۳. معینی‌پور، مسعود و لک‌زایی، رضا، «ارکان امت واحده و تمدن اسلامی از منظر امام خمینی و مقام معظم رهبری»، مطالعات انقلاب اسلامی، ش ۲۸، ۱۳۹۱.

